مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال چهارم)
شماره ۱۱ / بهار ۱۳۹۷ / ص ۱۳۵-۱۲۸

# تأثیر سیاست‌های خارجی دولت تدبیر و امید بر اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶

**دکتر علی‌محمد حقیقی[۱]، سروگل تقی‌پور[۲]**
[۱] استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، فارس، ایران.
[۲] دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، فارس، ایران.
نام نویسنده مسئول:
**سروگل تقی‌پور**

**چکیده**
این پژوهش با هدف تأثیر سیاست‌های خارجی دولت تدبیر و امید بر اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ انجام گرفت. پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی است. بدین سبب که برای بررسی سؤال تحقیق، از نظرسنجی با داده‌های آماری موجود در منابع بانک مرکزی استفاده شده است، روش تحقیق، توصیفی است. جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از داده‌های معتبر انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که در خیلی از شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی بهبود قابل‌توجهی داشته است؛ از جمله رشد اقتصادی برای نه‌ماهه اول ۹۵ معادل ۱۱,۶ درصد، کاهش تورم و یا افزایش صادرات نفت نیز از ۱/۴ میلیون بشکه در روز به ۲/۳ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، اقتصاد، دولت تدبیر و امید، تورم.

## مقدمه

در دنیای امروز که کشورها به سمت جهانی شدن حرکت می‌کنند، "سیاست خارجی" اهرمی برای افزایش ثروت ملی است. در جهان امروز نه‌تنها کشورهای توسعه‌یافته بلکه بسیاری از ممالک درحال‌توسعه نیز از سیاست خارجی و فن دیپلماسی برای پیشبرد اهداف سیاسی فرهنگی و اقتصادی خود بهره می‌برند. متفکران عرصه علوم سیاسی سیاست خارجی را ادامه سیاست داخلی می‌دانند [۱]. مفاهیمی که در داخل یک کشور در عرصه سیاست وجود دارد به بیرون از مرزها و نحوه تعامل بین‌المللی مبدل می‌شوند. در واکاوی ریشه معضل رشد اقتصادی پائین ایران در سه دهه اخیر نیز "سیاست خارجی" جایگاه درخور توجهی خواهد داشت. در کنار عیوب ساختاری و سنتی اقتصاد دولتی ایران همچون وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، ضعف رقابت در ساختار اقتصاد ایران، فربه‌شدن دولت و افزایش بیش از حد مخارج آن و بی‌ثباتی سیاست‌های مالی و پولی می‌توان به سیاست خارجی و تأثیر مثبت یا منفی آن بر رشد اقتصادی نیز اشاره کرد [۲].

روابط خارجی یکی از عوامل مؤثر بر عملکرد اقتصادی به‌خصوص رشد اقتصادی در بلندمدت است. روابط خارجی صلح‌آمیز و سازنده با کشورهای جهان، یکی از مؤلفه‌های اصلی تأمین امنیت ملی و کاهش ریسک و نا اطمینانی برای سرمایه‌گذاری (اعم از داخلی و خارجی) است [۳].

در تعریف سیاست خارجی آمده است؛ یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی‌شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. در تعریف دیگری می‌توان به شیوه نگرش دولت نسبت به جامعه بین‌المللی اشاره کرد [۴].

امروزه در بررسی ارتباط میان سیاست خارجی کارآمد و رشد و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی به عنوان علمی بین‌رشته‌ای بیش از هر زمان دیگری اقتصاد و سیاست را به هم پیوند داده است. بر این اساس مطالعه پدیده‌های سیاسی بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مؤثر بر آن و مطالعه پدیده‌های اقتصادی بدون توجه به عوامل اثرگذار سیاسی، نارسا خواهد بود؛ به عبارت دیگر اقتصاد سیاسی به وجود رابطه‌ای دو سویه بین اقتصاد و سیاست (من‌جمله سیاست خارجی) توجه دارد. از این رو می‌توان استنباط کرد که بین این دو رابطه‌ای دو سویه وجود دارد [۵]. آپادوری می‌گوید: سیاست خارجی یک کشور درحال‌توسعه به چهار شکل می‌تواند توسعه و رشد اقتصادی آن را تحت تأثیر قرار دهد: ۱. می‌تواند به تأمین کمک خارجی برای توسعه کشور کمک کند. ۲. می‌تواند مشوق یا مانع جذب سرمایه خارجی کشور باشد. ۳. می‌تواند در بعد تجاری با تشویق یا توقف کردن صادرات، بر موازنه پرداخت‌ها و توسعه کشور اثر بگذارد و ۴. می‌تواند از راه تشویق سرمایه‌گذاری مشترک خارجی، همکاری مشترک اقتصادی و تولید و در نتیجه آن توسعه اقتصادی را تسریع کند [۶].

با تسخیر سفارت ایالات‌متحده در سیزدهم آبان ماه پنجاه‌وهشت وضعیت روابط ایران با آمریکا و در مجموع دول غربی به‌گونه‌ای دیگر گردید. از زمان قطع کامل روابط سیاسی ایران و ایالات‌متحده تحولات رخ‌داده در بیرون از مرزها در منطقه و فراتر از منطقه خاورمیانه بر روندهای داخلی کشور در حوزه‌های سیاسی و بخصوص اقتصادی تأثیر بیشتری گذارده است. از پیامدهای قطع روابط وضع تحریم‌های سیاسی و اقتصادی علیه ایران تاکنون بوده است. اهمیت فشارهای بیرونی به رهبری آمریکا بر روندهای اقتصادی در کشور را می‌توان به دو صورت شوک‌آور و تدریجی مشاهده کرد [۷].

شاید بتوان اولین شوک مؤثر روندهای مربوط به سیاست خارجی بر اقتصاد ایران را با شنیدن پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در کشور مشاهده کرد. شوکی که قیمت بسیاری اجناس را به یک‌باره باخبر پایان قریب‌الوقوع جنگ ایران و عراق شکست. تأثیرپذیری اقتصاد ایران از تحولات مربوط به سیاست خارجی محدود به قطعنامه مؤثر در پایان جنگ نشد بلکه باری دیگر بهنگام جنگ آمریکا و عراق در سال ۱۹۹۰ و اعلام بی‌طرفی ایران، امیدها برای ادامه حضور ایران در صلح بر روندهای اقتصادی تأثیر مثبتی برجا گذاشت. در ادامه بهنگام پیروزی قاطع محمد خاتمی در دوم خرداد هفتادوشش و افزایش امید اجتماعی در داخل کلید برقراری روابط دوباره ایران و اتحادیه اروپا زده شد و شکل‌گیری سیگنال‌هایی مبنی بر کاهش تنش میان ایران و آمریکا به باثبات سازی هرچه بیشتر سیاسی و اقتصادی در داخل کمک بسزایی کرد. حادثه یازده سپتامبر بار دیگر اقتصاد و سرمایه‌گذاران اقتصادی علاقه‌مند به حضور در ایران را نگران کرد چراکه دو جنگ پیاپی پس از آن در افغانستان و عراق بار دیگر تنش میان ایالات‌متحده و ایران را به بالاترین حد خویش رساند [۸].

اهمیت اصلی تأثیر سیاست خارجی بر روندهای اقتصادی در داخل ایران به دوران محمود احمدی‌نژاد برمی‌گردد. زمانی که رئیس‌جمهور وقت دائماً از بی‌اثر بودن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران سخن می‌گفت و قدرت تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه ایران و حدود وثغور اثرات آن کوچک انگاشته شد. با امضای تحریم بانک مرکزی ایران از سوی باراک اوباما در اواخر سال نود تازه بسیاری از مقامات حاکم از آسیب‌های خطرناک این سطح از تحریم‌ها آگاهی یافتند و با افزایش شوک‌آور نرخ ارز در سال نودویک اقتصاد وارد فاز جدیدی از خطر گردید. روی کارامدن دولت اهل مذاکره روحانی در همان ابتدای کار بازارهای اقتصادی را آرام نمود؛ زیرا که اساساً اقتصاد امنیت گرا و تنش گریز است و دفاع دولت روحانی از گفت‌وگو با غرب بر سر مسئله هسته‌ای از همان آغاز همچو آبی بر آتش عمل کرد [۹].

تأثیر و درک اهمیت سیاست خارجی بر روندهای اقتصادی در ایران را می‌توان از کاهش بی‌سابقه قیمت ارزهای مختلف حتی پیش از به ثمر رسیدن توافق هسته‌ای یافت. اگرچه دولت روحانی کوشید با مدیریت نسبتاً صحیح مالی تورم را در دور اول خویش به‌خوبی کنترل کند لیکن آنچه دریچه‌های امید را زنده نگاهداشت نه فقط انضباط مالی بلکه امید اجتماعی در میان مردم و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به آینده‌ای بهتر برای ایران بود. با روی کارامدن دونالد جان ترامپ گویی روند امور و اثرات سیاست خارجی تنش‌زدا برآمده از شکل‌گیری توافق هسته‌ای کاهش‌یافته است همانی که با نوسانات اخیر قیمت ارزهای مختلف در داخل ایران قابل‌مشاهده است [۱۰].

مهم‌ترین دلیل تغییر در ایجاد روندهای متفاوت اقتصادی طی این روزها را در داخل نسبت به چهار سال گذشته قدرت گرفتن تفکر و استراتژی متفاوت نسبت به توافق هسته‌ای در امریکا می‌داند [۱۱].

اعتدال که در سیاست خارجی به صورت سلبی تعریف می‌شود، عبارت از نفی و پرهیز از گفتمان‌های افراطی و تفریطی است؛ به عبارت دیگر، اعتدال به معنای انکار گفتمان‌های سازش یا ستیزش، گفتمان آرمان‌گرای توهمی و گفتمان واقع‌گرایی منفعل است [۱۲]. در تعریف آن می‌توان گفت، گفتمان اعتدال، جریان اجتماعی سیاسی اصول‌گرایانه و اصلاح‌طلبانه با راهبرد مشخص توسعه است که به دنبال توازن و تعادل در عناصر گفتمانی خود بوده است؛ به‌گونه‌ای که «در نظام اسلامی، جامعه هم عادلانه اداره می‌شود، هم توسعه‌یافته است، هم جامعه معنوی است و هم به دنبال ایجاد یک جامعه پیشرفته است. به‌گونه‌ای که دکتر روحانی می‌گوید: «کلید اصلی حل همه مشکلات، جلب اعتماد مردم و تکیه بر همبستگی آنان است؛ البته در این مسیر ما باید توان تحمل نظارت‌های صاحب‌نظران را داشته باشیم و باید بدانیم که دولت به تنهایی قادر به حل مشکلات نیست و این مردم هستند که باید برای حل مشکلات در صحنه حضور داشته باشند. دولت، تسهیل‌کننده و سامان دهنده امور است و مردم و بخش‌های غیردولتی در یک منظومه‌ای سازمان‌یافته برای حل مشکلات جامعه باید تلاش کنند و در این میان، نقاش روحانیت و علما بسیار تعیین‌کننده است [۱۳].

امیدی، فلاحی و آقامحمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر سیاست خارجی ترکمنستان بر اقتصاد آن بیان می‌کند که جمهوری ترکمنستان پس از استقلال، بی‌طرفی دائم را به عنوان استراتژی سیاست خارجی اعلام نمود. در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ ـ ۲۰۰۱ این استراتژی به نحوی اعمال می‌گردید که به تقویت پایه‌های حکومت نیازاف منجر شود؛ اما تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شرایط ویژه‌ای را در نظام بین‌الملل و مناسبات منطقه‌ای به وجود آورد. کشورهای آسیای مرکزی از جمله ترکمنستان بیش از سایر دولت‌ها تحت تأثیر دگرگونی‌های نظام بین‌الملل قرار گرفتند. با حمله آمریکا به افغانستان (۲۰۰۱)، عشق‌آباد الگویی متعارف‌تر از استراتژی بی‌طرفی را به نمایش گذاشت و با روی کار آمدن محمداف در سال ۲۰۰۶ روند تغییرات در سیاست خارجی ترکمنستان شدت یافت. با توجه به نکات فوق، مقاله پیش‌رو در صدد پاسخ به این سؤالات است که روند تغییرات در سیاست خارجی ترکمنستان چگونه بوده است؟ و پیامدهای اقتصادی این تغییرات چیست؟ «سیاست خارجی ترکمنستان تا سال ۲۰۰۱ مبتنی بر انزواطلبی بود؛ اما بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، استراتژی بی‌طرفی منفی توسط نیازاف در پیش گرفته شد. سپس با روی کار آمدن محمداف استراتژی بی‌طرفی فعال اتخاذ شد که به رشد اقتصادی ترکمنستان در ده سال اخیر انجامیده است» [۱۴].

رسولی و ایمانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه: مورد ایران بیان می‌کند که گسترش تعاملات نظامی با قدرت‌های بزرگ، یکی از اهداف کلیدی سیاست امنیتی اسرائیل در سال‌های اخیر بوده است. هدف این مقاله بررسی روند تحول در تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با چین، هند و روسیه به عنوان مهم‌ترین قدرت‌های در حال ظهور در یک دهه اخیر است. پرسش کلیدی مقاله آن است که چه عواملی، تحولات در تعاملات نظامی اسرائیل با هند، چین و روسیه در دوره کنونی را شکل داده است و چه دلایلی باعث شده درجه موفقیت در مورد این سه کشور متفاوت باشد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش طراحی شده عبارت از این است که سیاست خارجی اسرائیل علی‌رغم تنش‌های گاه و بیگاه بین این رژیم و ایالات‌متحده، بخصوص در بعد دیپلماسی نظامی‌اش، هنوز متأثر از اهرم‌های فشار امریکا به عنوان پایه‌گذار اولیه صنعت دفاعی این رژیم و شریک تحقیق و توسعه نظامی آن و بالاخره اهداکننده میلیاردها دلار کمک نظامی به این رژیم است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اسرائیل در پیشبرد ابعاد مختلف دیپلماسی خود، هرچند دارای درجه‌ای از استقلال در تصمیم‌گیری است، اما در بعد دیپلماسی تسلیحاتی، به دلایلی که در مقاله تبیین می‌شود، عملاً نسبت به فشارهای ایالات‌متحده حساس بوده است. به همین دلیل در بین سه کشور هند و چین و روسیه، تعاملات نظامی با هند از بیشترین توفیق برخوردار بوده است، اما تعاملات نظامی این رژیم با چین، به دلیل مخالفت امریکا با نوعی بن‌بست روبرو شده است [۱۵].

پژوهش حاضر قصد دارد تأثیر سیاست خارجی دولت یازدهم را بر اقتصاد کشور بررسی و به ترویج ادبیات مرتبط با آن و روشن‌تر شدن موضوع کمک کند. در پژوهش فعلی نیز می‌توان مسئله پژوهش را در دو حوزه نظری و کاربردی بیان نمود. در حوزه نظری بررسی‌های پژوهش‌گر نشان می‌دهد که تاکنون کار جامعی بر روی تأثیر سیاست خارجی دولت یازدهم را بر اقتصاد کشور و این‌که چه اثرات و پیامدهایی دارد انجام نگرفته است و ادبیات نظری در این زمینه غنای لازم را ندارد. درواقع مدل جامعی نیز که دربرگیرنده همه‌ی ابعاد باشد دیده نشده است. لذا با توجه به خلأ پژوهشی مشاهده‌شده در این پژوهش محقق بر آن است که تأثیر سیاست خارجی دولت یازدهم را

بر اقتصاد کشور را مورد بررسی قرار دهد و مدلی مناسب جهت تبیین آن ارائه دهد. در حوزه کاربردی نیز تجربه پژوهش‌گر در طی سال‌های تحصیل نشان می‌دهد که تأثیر سیاست خارجی در اقتصاد کشور پراهمیت بوده است؛ و ازآنجاکه یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین روش‌های بهبود اقتصادی است، این سؤال در ذهن پژوهش‌گر جای گرفت که مهم‌ترین علل و عوامل اولویت یافتن سیاست خارجی دولت یازدهم بر دیپلماسی اقتصادی در این دوره کدامند؟

## روش‌شناسی و ابزار پژوهش

پژوهش حاضر، از حیث هدف، پژوهشی کاربردی است و از حیث روش انجام آن، در زمره پژوهش‌های توصیفی قرار می‌گیرد. چراکه در انجام پژوهش حاضر، پژوهشگر برای تدوین و تنظیم ادبیات تحقیق و مبانی نظری از منابع موجود فارسی و لاتین قابل‌دسترس در کتابخانه‌های دانشگاه آزاد، ماهنامه‌ها و مجلات تخصصی مدیریت و وب‌سایت‌ها و سایر کتب علمی مدیریت استفاده شده است. همچنین این پژوهش از آن جهت که به بررسی داده‌های مرتبط با برهه‌ای از زمان می‌پردازد، از نوع پژوهش‌های مقطعی است. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از منابع مستند آماری استفاده شده است .

## بحث و نتیجه‌گیری

عملکرد اقتصادی هر دولتی ویژگی‌ها و شاخص‌های مثبت و منفی بسیار دارد اما با توجه به محدودیت منابع و توصیه‌های علم اقتصاد که علم استفاده از منابع کمیاب برای تحقق انتظارات بسیار است، کارایی دولت‌ها بر اساس استفاده بهینه از منابع مالی محدود ارزیابی می‌شود. بر این اساس در دولت یازدهم که هم‌زمان با اوج گرفتن تحریم‌ها و رشد منفی ۶- درصدی، کار خود را آغاز کرد، چاره‌ای جز انتخاب اولویت‌های اصلی از جمله کاهش تورم، پیگیری مطالبات بانک‌ها، افزایش تولید و صادرات نفت، گشایش در روابط و قراردادهای خارجی و... نبوده است در نتیجه با توجه به محدودیت‌های موجود در چهار سال اخیر، برخی مسائل از جمله رکود بخش مسکن با موفقیت و دستاورد عمده‌ای مواجه نشده است اما در برخی زمینه‌ها مانند رشد تولید و صادرات نفت، تولید فرآورده‌های نفتی و بنزین و پتروشیمی و میعانات گازی، دستاوردهای مثبتی برجای گذاشته است.

نکته مهم دیگر که در ابتدای این بررسی باید به آن توجه شود تأکید بر این موضوع مهم است که ویژگی عمده عملکرد اقتصادی دولت روحانی در دوره چهارساله ۹۵- ۱۳۹۲ تأکید بر اصلاحات اقتصادی، ایجاد ثبات بازارها، انضباط مالی و خروج نسبی و غیر تورمی از رکود بوده است و اگرچه در برخی سال‌ها از جمله ۹۲ و ۹۴ به خاطر وضعیت بازار نفت، تحریم‌ها و فشارهای حاصل از ساختار اقتصاد کشور در سال‌های قبل، با رشد منفی اقتصاد و بخش‌های مختلف مواجه شده و هنوز برخی بخش‌ها از جمله ساختمان‌سازی با رکود همراه است، اما تلاش برای اجرای برجام و گشایش فضای تجاری و بانکی، تقویت قراردادهای نفتی، رشد تولید و صادرات نفت، افزایش صادرات غیرنفتی باعث شد که سال‌های ۹۳ و ۹۵ با رشد مثبت اقتصادی همراه شود و اگرچه این نرخ رشد اندک و بیشتر به نفت وابسته بوده اما نشانه‌های خروج از رکود در بسیاری از بخش‌های اقتصاد، کنترل تورم، کاهش نرخ سود بانکی، رشد سرمایه‌گذاری‌ها، رشد مصرف بخش خصوصی و بهبود سایر شاخص‌های اقتصادی قابل‌رؤیت است.

وضعیت ارتقاء سطح شاخص‌های علمی بدین‌صورت است:

- رتبه علمی ایران در سال ۲۰۱۲ در پایگاه‌های ISI و Scopus به ترتیب ۲۱ و ۱۸ بوده است که در هر دو پایگاه، هم‌اکنون ایران دارای رتبه ۱۶ است (۵ رتبه ارتقا در پایگاه ISI و ۲ رتبه ارتقا در پایگاه Scopus)
- درصد سهم ایران در تولید علم دنیا در پایگاه ISI در سال ۲۰۱۲، رقم ۱,۳۴ درصد بوده است و این سهم در پایان سال ۲۰۱۶ به ۱,۷۹ درصد رسیده است (با ۴۵ درصد افزایش سهم)
- درصد سهم ایران در تولید علم دنیا در پایگاه‌های Scopus در سال ۲۰۱۲، رقم ۱,۴۸ درصد بوده در پایان ۲۰۱۶ این سهم به ۱,۸۱ درصد رسیده است (با ۳۳ درصد افزایش سهم)
- رتبه علمی ایران در منطقه و جهان اسلام در پایگاه Scopus رتبه اول و در پایگاه ISI رتبه دوم بوده است و هم‌اکنون کشور ما در هر دو پایگاه در منطقه و جهان اسلام رتبه اول را داراست. (یک رتبه ارتقاء در پایگاه ISI و تثبیت رتبه اول در پایگاه Scopus)
- تعداد مقالات منتشرشده در پایگاه ISI در سال ۲۰۱۲ رقم ۳۰۳۷۰ مقاله بوده است و در پایان سال ۲۰۱۶ به ۳۶۸۴۲ مقاله رسیده است. (افزایش ۱۳ درصدی تعداد مقالات)
- تعداد دانشگاه‌های برتر ایرانی در سال ۲۰۱۲ در رتبه‌بندی تایمز یک دانشگاه و در رتبه‌بندی لایدن هیچ دانشگاهی وجود نداشته است. در حال حاضر ۱۴ دانشگاه ایران در فهرست دانشگاه‌های برتر جهان قرار دارند.

### وضعیت رشد اقتصادی

رشد اقتصادی کشور در چهار سال اخیر متأثر از تحریم‌ها، فضای کسب وکار به جای مانده از دولت احمدی نژاد، برجام و تحولات و سیاست‌های اصلاح ساختار و انضباط مالی دولت روحانی، با بهبود مواجه شده و در حالی که در سال‌های ۹۱ و ۹۲ رشد منفی ۶,۹ – و ۱- درصد را شاهد بودیم اما از سال ۹۳ رشد اقتصادی با ثبت عدد مثبت ۳,۳ از رکود خارج شد و اگرچه هنوز توان مورد انتظار را بازیابی نکرده اما مسیر رشد اقتصادی مثبت‌شده و به تدریج در حال بهبود است. در سال ۹۴ نیز ارقام حکایت از منفی بودن رشد اقتصادی در محدوده ۱,۸- درصد دارد که دلیل عمده آن کاهش قیمت نفت و تداوم اثر تحریم‌ها و انتظار برای مذاکرات برجام بوده است؛ اما در سال ۹۵ به خاطر اجرای برجام و اثرات مطلوب آن، افزایش صادرات نفت کشور، رشد اقتصادی به بالای ۷ درصد رسیده و اگرچه ۶ واحد یا درصد آن به خاطر افزایش درآمد و تولید و صادرات نفت رخداده اما می‌توان رشد ۱ درصدی را برای کل اقتصاد برآورد کرد. بر اساس محاسبه تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۸۳، رشد اقتصادی در سال‌های ۹۱ تا ۹۵ به ترتیب ۶,۹,۱، ۳,۳، ۱,۸- و ۸ درصد بوده است. بانک مرکزی برای شش ماه اول ۹۵ نرخ رشد اقتصادی به قیمت ثابت سال ۸۳ را ۷,۴ درصد و برای نه‌ماهه اول ۹۵ معادل ۱۱,۶ درصد اعلام کرده است. رشد اقتصاد بدون نفت به قیمت سال پایه ۸۳ نیز ۱,۱، ۰,۴، ۳,۳، ۲,۷- و ۱ درصد بوده است. رشد اقتصاد بر اساس قیمت‌های ثابت سال ۹۰ نیز در سال‌های ۹۱ تا ۹۵، به ترتیب ۷,۷، ۰,۳، ۳,۲، ۱,۶- و حدود ۸ درصد بوده است.

### وضعیت قدرت خرید

رشد مصرف بخش خصوصی که نشان‌دهنده بهبود وضعیت معیشتی و قدرت خرید مردم و پول خرج کردن و تقاضای جامعه است نشان می‌دهد که در سال ۹۴ روند همواره منفی بوده و در کل سال ۳,۵- درصد منفی شده است؛ اما در سال ۹۵ به تدریج رشد مصرف بخش خصوصی مثبت‌شده و در نه‌ماهه ۲,۴ درصد بوده است؛ اما مصرف دولتی در سال ۹۴ معادل ۴,۸ درصد و در نه‌ماهه ۹۵ معادل ۵,۵ درصد مثبت بوده است. در سال ۹۳ که رشد اقتصادی مثبت‌شده نرخ رشد مصرف نیز مثبت بوده است اما در سال‌های دیگر روی‌هم‌رفته به خاطر کاهش قدرت خرید مردم منفی بوده است. البته در سال ۹۵ نیز بار دیگر نرخ رشد مصرف بخش خصوصی مثبت‌شده است.

### ثبات نرخ بیکاری

اگرچه در چهار سال اخیر تقریباً هر سال معادل ۱ میلیون نفر به جمع بازار کار اضافه‌شده و نرخ بیکاری در سال ۹۱ به ۱۲,۲ درصد رسیده اما متأثر از ایجاد اشتغال در دولت یازدهم و همچنین تعریف بیکاری ارائه‌شده، نرخ بیکاری در سال‌های ۹۲ تا ۹۵ به ترتیب ۱۰,۴، ۱۰,۶، ۱۱ و ۱۲,۷ درصد رسیده و ابتدا کاهش و سپس تحت تأثیر شرایط اقتصادی و رشد تقاضا برای کار، افزایش داشته است. رشد منفی اقتصادی در سال‌های ۹۱ و ۹۳ و ۹۴ طبیعی است که اثر خود را بر نرخ بیکاری گذاشته است.

### صادرات و واردات

در چهار سال اخیر به تدریج بر حجم صادرات غیرنفتی کشور افزوده و از میزان واردات کاسته شده تا جایی که میزان صادرات غیرنفتی برای اولین بار در سال ۹۵ از میزان واردات بیشتر شده است و حدود ۲۵۰ میلیون دلار درآمد بیشتر از اختلاف صادرات غیرنفتی و واردات کالا داشته‌ایم. واردات کالا در دولت احمدی‌نژاد به خاطر درآمد نفتی بالا در شرایط قبل از تشدید تحریم‌ها، در سال‌های ۸۸ تا ۹۱ به ترتیب ۶۹، ۷۵، ۷۷ و ۶۷ میلیارد دلار بوده است. صادرات غیرنفتی در سال‌های ۸۸ تا ۹۱ به ترتیب ۱۸، ۲۲، ۲۶ و ۲۹ میلیارد دلار بوده است. اما صادرات غیرنفتی در دولت روحانی با وجود تحریم‌ها، کاهش درآمد ارزی و نفتی کشور و مشکلات به جای مانده از دولت قبل و همچنین تنگنای مالی بانک‌ها و... رشد قابل‌توجهی داشت و ثبات بازار ارز به صادرکنندگان کمک کرد تا بتوانند درآمد صادرات غیرنفتی کشور را به بالای ۳۶ میلیارد دلار در سال‌های ۹۳ و ۹۴ افزایش دهند. صادرات نفت نیز قبل از تحریم‌ها و به خاطر بالا بودن قیمت نفت، در سال‌های ۸۸ تا ۹۱ به ترتیب ۶۹، ۹۰، ۱۱۸ و ۶۸ میلیارد دلار بوده است و با شروع تحریم‌ها در سال ۹۱ و کاهش قیمت نفت، به تدریج اثر آن بر کاهش صادرات نفت مشهود بوده است.

### تولید نفت

تولید نفت از ۳ میلیون بشکه در سال ۹۳ و در شرایط تحریم اقتصادی به تدریج با اجرای برجام توانست به ۳,۹ میلیون بشکه افزایش یابد. صادرات نفت نیز از ۱,۴ میلیون بشکه در روز به ۲,۳ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است.

### نرخ ارز

روند نرخ ارز نیز در این چهار سال نشان می‌دهد که بعد از نوسانات شدید در سال‌های آخر دولت احمدی نژاد و تشدید تحریم‌ها که نرخ دلار را سه برابر کرد، اما در سال‌های دولت روحانی، نرخ ارز روند باثباتی داشته و از حدود ۳۲۰۰ در سال ۹۲ به ۳۷۶۰ تومان در شرایط کنونی رسیده است به عبارت دیگر، در این مدت حدود ۵۶۰ تومان افزایش داشته که کمتر از اثر نرخ تورم بوده است. اما در عین حال دولت و بانک مرکزی نرخ مبادله‌ای را افزایش داده تا از این طریق فاصله نرخ بازار و مبادله‌ای کاهش‌یافته و سفته‌بازی را کنترل کند بر این اساس نرخ ارز مبادله‌ای در این چهار سال از ۲۱۰۰ به ۳۲۰۰ تومان رسیده و ۱۱۰۰ تومان افزایش داشته که بیش از فاصله نرخ ارز آزاد در این سال‌هاست.

### کنترل تورم

با شروع به کار دولت یازدهم و شکل‌گیری انتظارات مثبت نسبت به تحولات سیاسی و اقتصادی آتی، روند صعودی تورم متوقف شد و هم‌زمان با اجرای اصلاحات سیاستی و تقویت سازگاری و هماهنگی میان سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه اصلاح رویه ناسالم تأمین مالی مسکن مهر و برقراری ثبات در بازار ارز، زمینه آغاز و تداوم روند نزولی نرخ تورم طی سال‌های فعالیت دولت یازدهم فراهم گشت؛ تا جائیکه نرخ تورم در خردادماه ۱۳۹۵ در محدوده تک‌رقمی (۹,۷ درصد) محقق شد و با استمرار آن تا پایان سال ۱۳۹۵، پس از ۲۶ سال بار دیگر نرخ تورم سال ۱۳۹۵ (۹ درصد) در مقطع سال تک‌رقمی شد. اقدامات کلیدی بانک مرکزی در زمینه تقویت انضباط پولی، سالم‌سازی رشد نقدینگی و حفظ ثبات بازار ارز - حتی در شرایطی که قیمت جهانی نفت خام به شدت افت کرد و درآمدهای نفتی مطابق انتظار محقق نشد- نقشی اساسی در کاهش تورم و حفظ این دستاورد بزرگ داشته است. از سال ۱۳۹۱ و در پی تشدید تحریم‌های خارجی و در بستری از عدم‌تعادل‌های انباشته ناشی از اجرای چند سال سیاست‌های اقتصادی ناسازگار و ناهماهنگ، زمینه افزایش چند برابری نرخ ارز و متعاقب آن افزایش نرخ تورم (متوسط ۱۲ ماهه) شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص بهای تولیدکننده به ترتیب به ۴۰,۴ (در مهرماه ۱۳۹۲) و ۴۶,۱ درصد (در شهریورماه ۱۳۹۲) فراهم شد؛ تورم نقطه به نقطه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در نقطه اوج خود در

خردادماه ۱۳۹۲ به ۴۵,۱ درصد رسید. از نیمه اول سال ۱۳۹۲، با شروع به کار دولت یازدهم و شکل‌گیری انتظارات مثبت نسبت به تحولات سیاسی و اقتصادی آتی، روند صعودی تورم متوقف شد و هم‌زمان با اجرای اصلاحات سیاستی و تقویت سازگاری و هماهنگی میان سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه اصلاح رویه ناسالم تأمین مالی مسکن مهر و برقراری ثبات در بازار ارز، زمینه آغاز و تداوم روند نزولی نرخ تورم طی سال‌های فعالیت دولت یازدهم فراهم گشت؛ تا جائیکه نرخ تورم در خردادماه ۱۳۹۵ در محدوده تک‌رقمی (۹,۷ درصد) محقق شد و با استمرار آن تا پایان سال ۱۳۹۵، پس از ۲۶ سال بار دیگر نرخ تورم سال ۱۳۹۵ (۹ درصد) در مقطع سال تک‌رقمی شد. در فاصله مرداد سال ۱۳۹۲ تا اسفندماه سال ۱۳۹۵ متوسط نرخ دلار بازار آزاد با ۱۸,۶ درصد افزایش از ۳۱۸۰ به ۳۷۷۲ تومان افزایش یافت.

## مراجع


۱. نوری، ز. و ف. شه دوست فرد، نقش سیاست های سرمایه گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی کشور ایران، کنفرانس بین المللی یافته های نوین پژوهشی در علوم،مهندسی و فناوری با محوریت پژوهش‌های نیاز محور. ۱۳۹۴، مؤسسه فراز اندیشان دانش بین الملل.

۲. اقبالی، م. و م. خلیل زاده، تحریمهای بین المللی به مثابه ابزاری اقتصادی در جهت اعمال سیاست خارجی. ۱۳۹۵.

۳. بوستانی، ر.، سیاست گذاری پولی بهینه در اقتصاد ایران، بیست و دومین همایش سالانه سیاستهای پولی و ارزی. ۱۳۹۱، پژوهشکده پولی و بانکی.

۴. جعفری نعیمی، م.، et al.، بهره وری انرژی؛ اقتصاد و سیاست، اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار. ۱۳۹۳، موسسه ایرانیان.

۵. یغمائی علیشاه، ا.، ش. بابایی، و ج. مقتدرکارگران، بررسی بنیان های سیاسی سیاست های توسعه اقتصادی از دیدگاه توسعه پایدار، همایش بین المللی مدیریت. ۱۳۹۳، موسسه سفیران فرهنگی مبین.

۶. حسینی، ع. و م. شیخی، سیاست های سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ارتباط آن با رشد اقتصادی، ششمین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت و علوم مهندسی. ۱۳۹۴، مرکز بین المللی ارتباطات دانشگاهی.

۷. زلفعلی فام، ح. و م. سعادتی، دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی در عصر جهانی شدن، اولین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران. ۱۳۹۴، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.

۸. کیان پور، س. و ح. محمدرضایی ازندریانی، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی یا تاب آوری ملی: رویکرد مقابله با مخاطرات جهانی، همایش بین المللی مدیریت، اقتصاد و بازاریابی. ۱۳۹۶، مرکز همایش های کوشا گستر.

۹. مال اسد، ن.، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در حوزه انرژی: با نگاه اقتصاد سیاسی بین الملل (پس از ۲۰۰۱)، نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت. ۱۳۹۵، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۱۰. محمودزاده، ع.، آسیب شناسی سیاست های اقتصاد مقاومتی، همایش ملی اقتصاد دانش بنیان معبر اقتصاد مقاومتی. ۱۳۹۳، موسسه سفیران فرهنگی مبین.

۱۱. ملک علیپور، غ. و م. پورپیر، تبیین مقایسه ای سیاست اقتصاد مقاومتی با سایر مکاتب اقتصادی، همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی. ۱۳۹۱، دانشگاه گیلان.

۱۲. نورمحمدی، ج.، مقایسه جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی آمریکا در دوره جنگ سرد با دوره پسا جنگ سرد تا ۲۰۱۴، کنفرانس بین المللی توسعه و تعالی کسب و کار. ۱۳۹۳، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.

۱۳. موسوی‌شفایی، م.، دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن. پژوهش نامه سیاست خارجی، ۱۳۸۸. ۱۷(۱): p. ۷۷-۱۰۶.

۱۴. امیدی، ع.، ا. فلاحی، و ز. آقامحمدی، تاثیر سیاست خارجی ترکمنستان بر اقتصاد آن. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۰۱۶. ۲۱(۹۱): ۱-۳۶.

۱۵. رسولی، ر. و ه. ایمانی، رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه: مورد ایران. روابط خارجی، ۱۳۹۴. ۲۶(۷): p. ۱۰۱-۱۲۹.